



The First International Congress of Pure Wisdom

اولین کنگره بین المللی حکمت ناب

3-September 2015

زمان: ۱۲ شهریور ماه سال ۹۴

حکمت در غرورالحکم و دررالکلم و استلزامات تربیتی آن

صدیقه افکوسی باقلعه 1، زهرا شبستری نژاد راوری 2

1 دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت - دانشکده علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان

(خوراسگان) - ایران

آدرس پست الکترونیک: s_afkousi@yahoo.com

2 دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت - دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران - ایران

آدرس پست الکترونیک: shabestari.zahra@yahoo.com

چکیده

حکمت یکی از بنیادی‌ترین جنبه‌های وجود آدمی است که با وجود آن می‌توان به کمال انسانیت رسید و نبود آن رنج‌ها و خسارت‌های بسیاری را به دنبال دارد. نائل شدن به حکمت می‌تواند سبب پیشرفت و موفقیت روز افزون یک فرد و به تبع آن جوامع انسانی شود. لذا این تحقیق با هدف بررسی حکمت از منظر امام علی (علیه السلام) با توجه به غرورالحکم و دررالکلم انجام شده است و در آن آثار حکمت، عوامل دستیابی به آن و موانع وصول به آن از دیدگاه آن امام همام بررسی شده است. این تحقیق از نوع تحقیقات بنیادی بوده که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که برای کسب حکمت، هم تعلیم و هم تربیت هر دو باید به این مهم کمک کنند. آموزش علوم و چگونگی اندیشیدن پیرامون آن‌ها و پرورش فضایل اخلاقی از قبیل زهد، بردباری و حقیقت‌جویی در رسیدن به حکمت مؤثرند.

واژه های کلیدی: امام علی (علیه السلام)، حکمت، فایده حکمت، موانع دستیابی به حکمت، غرورالحکم و دررالکلم



The First International Congress of Pure Wisdom

اولین کنگره بین المللی حکمت ناب

3-September 2015

زمان: ۱۲ شهریور ماه سال ۹۴

Wisdom in Ghorarolhekam and Dorarolkalem and its educational implications

Sedigheh, Afkousi-Paqaleh¹; Zahra Shabestarinejad-Ravari²

1- Department of Education, University of Isfahan (Khorasgan), Isfahan, Iran
(Email: s_afkousi@yahoo.com)

2- Department of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
(Email: shabestari.zahra@yahoo.com)

Abstract

One of the most fundamental aspects of human existence is wisdom although it can lead to perfection of humanity and its absence cause lots of sorrow. Achieving to wisdom can make progress and prosperity for person therefore human societies. The aim of this study was to evaluate the wisdom of Imam Ali and it been done according to Ghorarolhekam and Dorarolkalem and the works of wisdom, factors and barriers for achieving it has been studies from Imams. This study is a basic research that has been done by using descriptive and analytical methods. The results show that for wisdom, both the training and education should help. Science education and how to think about them and cultivate virtues like piety, patience and truth are effective for achieving wisdom.

Keywords: *Imam Ali, wisdom, Benefit of wisdom, the barriers to achieving wisdom, Ghorarolhekam and Dorarolkalem*

مقدمه:

حکمت در طول تاریخ، آرمان انسان بوده است و در این باره سخنان بسیاری گفته شده است. نوع بشر، همیشه در زندگی خود دچار سختی‌ها و مشکلات خاص خود بوده است. هر فرد، خانواده، جامعه و یا کشور به نحوی از انحاء با سختی‌ها و مشکلات روبرو می‌شدند و آنها را حل می‌نمودند. در این میان نبود حکمت باعث بسیاری از شکست‌ها و عقب ماندگی‌های تاریخ است، اما آنجا که شخصی حکیم در برهه ای از زمان ظهور کرده توانسته جامعه ی خود را از نظر علم و خرد و اخلاق



The First International Congress of Pure Wisdom

اولین کنگره بین المللی حکمت ناب

3-September 2015

زمان: ۱۲ شهریور ماه سال ۹۴

به پیش برد و زمینه ی پیشرفت برای آینده را فراهم نماید. مریدان زیادی پیدا کرده و مورد احترام و اعتماد همگان قرار گرفته است و این به آن جهت است که انسان از اعماق جان، دوستدار حکمت و خواستار آن است پس به واقع حکمت دارای ارزش والایی است و «به هر کس حکمت داده شود به او خیر کثیری داده شده است» (بقره: 269). «و خداوند یکی از دلایل ارسال رسل و وظایف انبیاء را آموزش حکمت معرفی می نماید» (بقره: 129). زیرا اگر انسانی حکیم باشد، حقیقت زندگی و هدف آن را می شناسد و به واسطه همین، از رنج و غصه های بیهوده ی زندگی دنیا، در امان خواهد بود و نگاه عمیق تر و زیباتری به زندگی خواهد داشت و دارای نشاط و شادی ژرف و درونی خواهد بود. بنابراین می تواند دنیای بهتری نسبت به دیگر انسان ها داشته باشد و در مسیر کمال انسانی گام بردارد و رفتار و کرداری درست داشته باشد. اگر انسان بتواند حکمت کسب نماید، گوهر گرانبهائی به دست آورده است که با آن اعمالش را عاقلانه انجام می دهد. حکمت، جان انسان را پاک و روح و روان او را بزرگ می نماید آنگاه است که انسان به اهداف واقعی می نگرند و سرگرم تجملات و زرق و برق دنیا و اهداف خیالی و ظاهری نمی شود، غم ها او را بیش از آنچه باید نمی آزارد و شادی ها بیش از آنچه هست او را شاد نمی گرداند. بنابر آنچه بیان شد اگر در خانواده پدر و مادر هر دو حکیم باشند، فرزندان هم با الگوگیری از آنان و بهره مندی از شیوه صحیح تربیتی ایشان، دارای حکمت خواهند شد و اگر در جامعه افراد حکیم پرورش یابند، حتماً زندگی کردن در آن جامعه با جامعه ای که مردم آن چیزی از حکمت نمی دانند، متفاوت خواهد بود و حتی در سطح جهانی اگر انسان های حکیم سردمداران جهان باشند به راستی این همه جنگ و خونریزی و ظلم صورت نمی گرفت. و این چیزی است که فیلسوفان یونان باستان نیز به آن توجه داشته اند. افلاطون و ارسطو هر دو معتقدند برای داشتن جامعه ای خوب و ایده آل باید حکومت را به دست حکما سپرد. (مایر، 1374، ص 170). اما سرگرم شدن مردم این عصر به ظاهر دنیا و تجملات و دور شدن از مسائل معنوی و عمق اندیشه، باعث بروز مشکلات و مسائل اساسی در زندگی بشر گردیده است. لذا برای نزدیک شدن به حکمت باید نزد کسی رفت که حکیم باشد و از آموزه های او استفاده نمود. در این مقاله سعی شده است حکمت از نگاه امام علی (علیه السلام) با تأکید بر کتاب غررالحکم و دررالکلم مورد مطالعه قرار گیرد تا نسبت به آموزه های آن حضرت بیش از پیش شناخت حاصل شود تا بتوان از آن برای بهبود زندگی استفاده نمود و با فراگیری شیوه های کسب حکمت بتوان به آن نائل آمد و کرداری محکم، راست و درست انجام داد و در تصمیم گیری ها با اطمینان راهی را انتخاب نمود که سرانجام آن سعادت و خیر باشد.

پیشینه تحقیق:

برنجکار (1379)، در مقاله ای با عنوان «مفهوم حکمت در قرآن و حدیث» به این نتیجه دست یافت که واژه حکمت از جمله مفاهیم اسلامی است؛ زیرا حکمت و حکم تنها در قرآن، 50 بار بکار رفته و صفت حکیم که از صفات خدا نیز هست، 97 مورد در قرآن استعمال دارد. او معتقد است که منبع اصلی حکمت در پاره ای از موارد عقل فطری و بدیهی، و در بقیه موارد وحی الهی است. در حالی که در برهان فلسفی و مصطلح، در همه موضوعات تنها عقل فلسفی معتبر است.



The First International Congress of Pure Wisdom

اولین کنگره بین المللی حکمت ناب

3-September 2015

زمان: ۱۲ شهریور ماه سال ۹۴

همچنین برهان فلسفی ربطی به عمل صالح و اخلاقی ندارد و لزوما مانع کردار ناپسند نیست؛ اما حکمت صاحب خود را از رذایل اخلاقی بر حذر می‌دارد.

اسلامی (1386)، در مقاله خود با عنوان «دامنه معنایی حکمت در قرآن، اخلاق و حدیث» بیان می‌نماید: این نوشته بر آن است تا با مرور ادبیات سه عرصه: قرآن کریم، منابع اخلاقی و روایات، دامنه مفهومی حکمت را معین سازد. نویسنده، با بهره‌گیری از شیوه پدیدارشناختی ایزوتسو در بررسی مفاهیم اخلاقی، به تحلیل احادیثی پرداخته که در آنها، به نحوی، به حکمت اشاره شده و میان آن با مفاهیم دیگر پیوند برقرار گردیده است. وی با بررسی این احادیث در سنت حدیثی، نشان می‌دهد که حکمت دارای سه مولفه اصلی است: بینش، منش و کنش. از این منظر، شخص حکیم دارای بینش خاصی است که نتیجه آن، شناخت درست امور و توان داوری درباره وسایل و اهداف است؛ دارای منشی اخلاقی است و از توان رفتاری بالایی در جامعه برای هدایت زندگی خود و دیگران برخوردار است.

خسرو پناه (1388) در مقاله‌ای با عنوان «چیستی حکمت در قرآن، روایات و فلسفه» به این نتیجه رسید که حکمت در قرآن هم جنبه‌ی نظری و هم جنبه‌ی عملی دارد. به عبارت دیگر، حکمت هم ساحت عقلی و ادراکی و هم ساحت کنشی و رفتاری را در بر می‌گیرد. حکمت نظری عبارت از معرفت مطابق با واقع و برخوردار از عصمت و عاری از خطاست. و حکمت عملی، بایدها و نبایدهای مربوط به حوزه ارزش‌ها و رفتارهای مذهبانه و همراه با خشیت و اخلاص الهی است. حاصل سخن آن که حکمت در بردارنده‌ی مسائل بینشی و اعتقادی، احکام منشی و اخلاقی و نیز احکام فقهی و رفتاری و کنشی می‌باشد. به عبارت دیگر، حکمت نظری به حوزه عقاید و بینش‌ها و حکمت عملی به اعمال فردی و اجتماعی می‌پردازد. به همین جهت حکمت قرآنی معنایی وسیع و گسترده به خود می‌گیرد. حکمت به منابعی مانند عقل و وجدان و فطرت و وحی نیازمند است و توانایی عقل و وجدان در شناخت پاره‌ای از حقایق حکمی، انسان را از منبع وحیانی بی‌نیاز نمی‌کند.

شریعتی و پیروزفر (1391)، در مقاله‌ای با عنوان «تحوّل معنایی واژه حکمت در حوزه‌های مختلف اسلامی» نتیجه می‌گیرند که کلمه‌ی حکمت با ورود به حوزه‌های تصویری اسلامی، ارتباط خاصی با معنای کلمات مهم قرآنی پیدا کرده است و همین ارتباط به کلمه‌ی حکمت رنگ معنی‌شناختی خاصی بخشیده است که ساخت معنی ویژه‌ای برای آن فراهم آمده است که اگر بیرون از حوزه‌های اسلامی باقی می‌ماند، هرگز چنین نمی‌شد.

همانطور که در بالا به طور اختصار گذشت، در زمینه حکمت تحقیقات فراوانی انجام شده است، اما پژوهشی تحت عنوان حکمت در غررالحکم و دررالکلم یافت نشد و از این منظر به حکمت نگاه نشده است. از این رو ضرورت و اهمیت دارد که با توجه به آموزه‌های امام علی (علیه السلام) در کتاب غررالحکم و دررالکلم، تحقیقی راجع به حکمت صورت گیرد تا با دامنه و حیطة معنایی حکمت از دیدگاه امیر کلام، علی (علیه السلام) آشنا شویم.



The First International Congress of Pure Wisdom

اولین کنگره بین المللی حکمت ناب

3-September 2015

زمان: ۱۲ شهریور ماه سال ۹۴

به منظور وصول به این هدف سؤالات زیر طراحی گردیدند:

- حکمت به چه معنا است؟
- آثار حکمت از دیدگاه علی (علیه السلام) چیست؟
- عوامل مؤثر بر کسب حکمت، از دیدگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام) چیست؟
- موانع کسب حکمت از منظر حضرت علی (علیه السلام) با تأکید بر کتاب غررالحکم چیست؟
- وظایف نظام تعلیم و تربیت در خصوص پرورش حکمت در دانش آموزان چیست؟

روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و در این روش اطلاعاتی گردآوری شده است، که به لحاظ ماهیت کیفی اند. منبع اصلی برای تحقیق، کتاب شریف غررالحکم و دررالکلم می باشد. که برای شرح بیشتر احادیث از کتب، مقاله، آثار مکتوب اعم از کاغذی و الکترونیکی (رایانه‌ای) استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات در روش مذکور اسنادی است که از طریق فیش‌نویسی توسط محقق صورت گرفته است. و سپس اطلاعات کدگذاری شده و در نهایت این اطلاعات تجزیه و تحلیل گردیده است. و در پایان با توجه به احادیث، وظیفه دست اندرکاران تعلیم و تربیت در این رابطه بیان شده است.

تعریف حکمت

در تعریف حکمت مانند برخی از واژه‌ها، نظرات مختلفی وجود دارد. اما در مجموع و در کنه تمام تعاریف یک نکته مشترک

و اساسی وجود دارد و آن این است که همگان حکمت را رسیدن به حق و واقع امور آن گونه که هستند، می دانند. در زیر به

تعدادی از این تعاریف اشاره می شود.

امام صادق (علیه السلام) درباره حکمت فرموده‌اند: «همانا حکمت معرفت و تفقه در دین است. پس هر که از شما فقیه شود، پس او حکیم است.» (وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1386، ص 16)



The First International Congress of Pure Wisdom

اولین کنگره بین المللی حکمت ناب

3-September 2015

زمان: ۱۲ شهریور ماه سال ۹۴

ملاصدرا می‌گوید: حکمت یعنی، گردیدن انسان از عالم علمی به عالم عینی است، تا اینکه آدمی به حضرت باری تعالی شباهت حاصل نماید. (فاضلی، 1388، ص 11)

علوی (1389) حکمت را درک عالی‌ترین اصول امور عالم می‌داند که چنین درک و فهمی به عنوان یک راهنما به آدمی کمک می‌کند که از یک حیات انسانی حقیقتاً نمونه و عالی بهره‌مند گردد. یا اینکه حکمت عبارت است از علم به احوال و اعیان موجودات، آن طور که هستند (ص 111).

باقری در تعریف حکمت می‌گوید: حکمت، عملی است که می‌توان با آن، هم در حیطه ی اندیشه و هم در حیطه ی عمل، به واقع و حق نائل شد. (1387، ص 207).

و قرشی عقیده دارد: حکمت یک حالت و خصیصه درک و تشخیص است که شخص به وسیله آن می‌تواند حق و واقعیت را درک کند و کار را محکم و متقن انجام دهد. حکمت حالت نفسانی و صفت روحی است نه شیء خارجی، بلکه شیء محکم خارجی از نتایج حکمت است و حکمت، رسیدن به حق به واسطه علم و عقل است. (1361، ج 1، ص 163)

آثار حکمت از دیدگاه علی (علیه السلام)

1- باز شدن در علم

دانستن حکمت و حکیم بودن، به انسان ارزش و منزلت می‌بخشد و جایگاه انسان را رفیع می‌گرداند و در علم را به روی انسان می‌گشاید. «بِالْحِكْمَةِ يُكْشَفُ غِطَاءُ الْعِلْمِ» به حکمت برداشته می‌شود پرده ی علم. «ظاهر این است که مراد به حکمت در اینجا دانستن مسائل است از روی دلیل. و مراد این است که هر چه آدمی از روی دلیل دانسته باشد پرده ی آن از برای او برداشته شده و به حقیقت آن رسیده است (خوانساری، 1384، ج 3، ص 139). پس با حکمت، علم به حقایق پیدا می‌شود و پرده ی جهل از جلو چشمان بشر به کنار می‌رود. «مَجْلِسُ الْحِكْمَةِ غَرْسُ الْفَضْلِ» مجلس حکمت درختستان دانشمندان است (10377). خوانساری (1384) در شرح غررالحکم می‌گوید: حکمت، همان علم راست و درست را گویند و مراد به مجلس حکمت، مجلسی است که یکی از آن علوم حقه در آن مذکور شود و غرس به معنی درخت کاشتن است و مراد این است که جای درخت کاشتن فضلاست. و اینکه هر یک نهال فکری که داشته باشند در آن جا بکارند تا بزرگ شود و بارور گردد (ج 6، ص 75). مجلس حکمت به سان باغی است که در آن درخت فکر بکارند تا به مرور ثمر دهد و ثمره ی آن علم و درست کرداری و راست گفتاری باشد. چنانکه از سخنان حضرت علی (علیه السلام) در غررالحکم است که فرمودند: «الْعِلْمُ ثَمَرَةُ الْحِكْمَةِ وَالصَّوَابُ مِنَ فُرُوعِهَا» دانش میوه حکمت است و صواب و راست رفتاری از شاخه‌های آن است (1765). همچون باغی که ثمره‌اش میوه ی درختاش است، ثمره حکمت نیز، گفتار و کردار راست و درست می‌باشد که آدمی را به



The First International Congress of Pure Wisdom

اولین کنفرانس بین المللی حکمت ناب

3-September 2015

زمان: ۱۲ شهریور ماه سال ۹۴

سوی کمال انسانیت رهنمون می‌شود و هر چه حکمت انسان بیشتر شود، پیمودن راه صحیح توسط او محکم‌تر و استوارتر می‌شود. و همان‌گونه که رفتن به گلستان و بوستان، چشم، گوش و مشام انسان را می‌نوازد و شادی و نشاط را به انسان هدیه می‌دهد، حکمت نیز برای صاحب خود گلستان فکر و بوستان خرد است و حکیم از شادی عمیق و درونی برخوردار می‌شود و این همنوایی با جهان هستی و نشاط پس از آن، نشان دهنده‌ی راه صحیحی است که او می‌پیماید. چرا که «الحِکْمَةُ رَوْضَةُ الْعُقَلَاءِ وَ نُزْهَةُ النَّبَلَاءِ» حکمت بوستان خردمندان، و گلستان دانایان است (خوانساری، 1384، ج 2، ص 22).

2- پاکدامنی و دوری از گناهان

«قُرِنَتِ الْحِکْمَةُ بِالْعِصْمَةِ» همراه شده است حکمت با عصمت. مراد به حکمت چنان که مکرر مذکور شد علم راست و درست است. و مراد به عصمت نگاهداری است از گناهان، و مراد این است که صاحب حکمت البته خود را از گناهان نگاه دارد و مرتکب آنها نشود (خوانساری، 1384، ج 4، ص 313). از این سخن اینگونه بر می‌آید که با داشتن حکمت، علم به احوال انسانیت و کمال آن بیشتر می‌شود و قداستِ پاکی بر انسان معلوم می‌گردد و انسان از زشتی‌ها و پلیدی‌ها دور می‌گردد. «الحِکْمَةُ عِصْمَةٌ، الْعِصْمَةُ نِعْمَةٌ» حکمت و دانایی، نگهبان این کس است و مانع او از ارتکاب قبایح و شرور و منهیات، و این نگهبان، نعمتی است از جانب خدا و لطفی است از او (خوانساری، 1384، ج 1، ص 95). بنابراین، از این دو حدیث به نظر می‌آید که حکمت با خود پاکی را نیز می‌آورد. یعنی مثل یک نگهبان بر اعمال و رفتار انسان و بر اعضاء و جوارح او نظارت دارد و مانع انسان از ارتکاب گناهان می‌شود. یعنی حکمت که در جایی خانه گزید پاکی را نیز با خود می‌آورد.

و این پاکی منجر به تقوا می‌شود که «اهمیت ارزش‌های تقوا در آن است که برای افراد و گروه‌ها، معیارهای رفتار درست و روابط سالم را در همه ساحت‌های زندگی تعیین می‌کند و انسان را در فکر و احساس و رفتار با قوانین هستی هماهنگ می‌سازد. و این امر موجب می‌شود جامعه مسلمان در فعالیت‌ها با روند پیشرفت و تحول همراه شود (کیلانی، 1389، ص 386).

3- شناخت پندها و دوری از فریب‌ها

«مَنْ ثَبَّتَ لَهُ الْحِکْمَةُ عَرَفَ الْعِبْرَةَ» هر که ثابت شود از برای او حکمت - علم راست و درست - بشناسد عبرت را. یعنی تواند عبرت گرفت از آنچه عبرت از آن باید گرفت، یا بشناسد قدر عبرت گرفتن را و فواید آن را (خوانساری، 1384، ج 5، ص 209). «رَأْسُ الْحِکْمَةِ تَجَنُّبُ الْخُدَعِ» اصل علم و حکمت دوری از فریب‌هاست (5194). بنابراین پیداست که شخصی که حکمت دارد از تجربیات خود و دیگران استفاده می‌نماید و به آنها توجه می‌کند، نگاه دقیق و ریز بین دارد و از آن در



The First International Congress of Pure Wisdom

اولین کنفرانس بین المللی حکمت ناب

3-September 2015

زمان: ۱۲ شهریور ماه سال ۹۴

زندگی خود پند گرفته و استفاده می‌نماید و یکی از دلایلی که از فریب خوردن دور است، شناخت عبرت‌ها و استفاده از آنها در زندگی است. قرآن کریم هم چه زیبا اشاره می‌کند که «در سرگذشت آنها (حضرت یوسف) درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود.» (یوسف، 111) و این بدان معنا است که فقط صاحبان خرد و حکمت از نکات و قصص قرآنی عبرت گرفته و در زندگی خود بکار می‌بندند.

4- مطیع شدن نفس

«لِقَاحِ الرِّیَاضَةِ دِرَاسَةُ الحِکْمَةِ وَ غَلَبَةُ العَادَةِ» افزایش اطاعت نفس، دانستن حکمت و غلبه بر عادت (نکوهیده) است (8305). وقتی معرفت و حکمت انسان زیاد شود، توجه او به خداوند زیاد شده و مطیع اوامر الهی می‌گردد و تمام کارهایش را با توجه انجام می‌دهد نه بر طبق عادت. از دیگر سخنان علی (علیه السلام) در غررالحکم است که «خدمت به جان، او را از لذت‌ها و ثروت‌ها باز داشتن، و به کسب دانش و حکمت‌ها و ادار نمودن، و کوشش به نیایش‌ها و طاعت‌ها داشتن است. و رستگاری جان در همین است (5078). پس هر کس حکیم شود و دارای حکمت، غلبه ی او بر نفسش بیشتر می‌شود و کنترل نفس در دستش قرار می‌گیرد و او بر نفس مسلط می‌شود نه نفس بر او. پس خدمت به نفس کسب حکمت است تا او را از بیراهه رفتن، حفظ نماید و مانند نگهبانی برای نفس باشد. انسان حکیم سرکشی را برای نفس نمی‌پسندد که بدان سبب انسان به پرتگاه نابودی کشیده شود بلکه خضوع نفس و اطاعت او را خواستار است تا راه انسان بودن را بییابد.

5- شخصیت

دانستن حکمت و حکیم بودن به انسان وقار و شخصیت می‌بخشد و زیور و زینت انسان محسوب می‌شود. البته در اثر دوری از گناهان و مطیع کردن نفس که از آثار قطعی حکمت است، قدر و ارزش انسان افزون گردد. اما حضرت به طور ویژه به آن اشاره کرده‌اند. لذا می‌فرمایند: «أَفْضَلُ الحِکْمَةِ مَعْرِفَةُ الإنسانِ نَفْسَهُ وَ وُقُوفُهُ عِنْدَ قَدَرِهِ» برترین حکمت آن که آدمی خود را بشناسد و از اندازه خود تجاوز نکند (3107). خوانساری در شرح این سخن می‌گوید: شناخت نفس و احوال او باعث علم به بسیاری از احوال مبدأ و معاد می‌شود که آن عمده علم درست است و مراد به ایستادن نزد قدر خود این است که زیاد از مرتبه ی خود سلوک نکند و از مردم نیز توقع آن نداشته باشد و خود را نیز از رتبه ای که دارد نیندازد و خفیف و ذلیل نکند و این معنی، لازم دارد اجتناب از معاصی و گناهان را نیز چون آن‌ها مؤمن را از ارزش آدمی اندازد و خفیف و خوار می‌گرداند در آخرت بلکه در دنیا نیز (خوانساری، 1384، ج 2، ص 250). «مَنْ لَهَجَ بِالحِکْمَةِ فَقَدْ شَرَّفَ نَفْسَهُ» هر که حریص باشد به حکمت پس به تحقیق که بلندمرتبه گردانید نفس خود را (خوانساری، 1384، ج 5، ص 159). بنابراین، شخصی که حکیم است، خود و جایگاه خود را می‌شناسد، حد خود را نگه می‌دارد، هم به خود شخصیت داده و خود را ذلیل نمی‌کند و هم از



The First International Congress of Pure Wisdom

اولین کنفرانس بین المللی حکمت ناب

3-September 2015

زمان: ۱۲ شهریور ماه سال ۹۴

جایگاه خود فراتر نمی‌رود و حکمتی که دارد مایه افتخارش است. و در جای دیگری می‌فرمایند: «حِكْمَةُ الدِّينِ تَرْفَعُهُ، وَ جَهْلُ الشَّرِيفِ يَضَعُهُ» حکمت دنی یعنی پست مرتبه، بلند می‌گرداند او را، و نادانی شریف یعنی بلند مرتبه، پست می‌گرداند او را. یعنی هر چند کسی پست مرتبه باشد در دنیا، هرگاه حکمت یعنی علم حق و حقیقت را تحصیل کند بلند مرتبه شود و هر چند کسی بلند مرتبه باشد به حسب دنیا، هرگاه نادان باشد، پست مرتبه گردد (خوانساری، 1384، ج 3، ص 259).

حال در ادامه، این سؤال مطرح می‌شود که رسیدن به حکمت امکان‌پذیر است یا اینکه حکمت فقط برای محدود انسان-های خاص حاصل می‌شود. با توجه به سخنان امام‌المتقین، علی (علیه السلام) پاسخ این سؤال پی‌گرفته می‌شود.

عوامل مؤثر بر کسب حکمت

1- تعقل و تفکر

«مَنْ مَلَكَ عَقْلَهُ كَانَ حَكِيمًا» هر که عقلش فرمانروا باشد، حکیم شود (8953). مراد به مالک شدن و فرمانروایی عقل این است که به کار گیرد آن را در انجام امور. و مراد از حکیم، دانای درست‌کردار است (خوانساری، 1384، ج 5، ص 160). پس اگر انسان از عقل خود پیروی نماید و در جهت درست از آن استفاده نماید، حکمت به دست آورده، و به حقایق امور پی می‌برد. «لَا تَخُلْ نَفْسَكَ مِنْ فِكْرِ يَزِيدُكَ حِكْمَةً وَ عِبْرَةً يُفِيدُكَ عِصْمَةً» خود را هیچ‌گاه از فکری که حکمت و دانشی در تو بیفزاید و یا عبرتی که به نگهداری تو بیفزاید خالی نگذار (7473). فکر، اعمال نظر و تدبیر است برای به دست آوردن واقعیت‌ها و عبرت‌ها (قرشی، 1361، ج 5، ص 199). بنابراین، با تأمل و تفکر می‌توان به حکمت رسید. البته فکری باید که در حقایق عالم آفرینش باشد و حکمت را در انسان تقویت نماید. همچنین در اینجا عبرت نیز ذکر شده، که قبلاً به آن اشاره شد، یکی از فواید حکمت این است که شخص حکیم، پند می‌پذیرد و عبرت می‌گیرد از آنچه عبرت‌گرفتنی است و آن را دز زندگی خود کاربردی می‌کند.

3- زهد

«مَعَ الزُّهْدِ ثَمَرُ الْحِكْمَةِ» حکمت و دانایی، با زهد بارور می‌شود (10358). با زهد، یعنی بی‌رغبتی در دنیا، حکمت میوه دهد و مراد این است که حکمت تا با زهد نباشد ثمره‌ای بر آن مترتب نشود و هرگاه با آن باشد سعادت دنیا و آخرت را میوه دهد (خوانساری، 1384، ج 6، ص 73). البته لازم به ذکر است که در اینجا زهد و بی‌رغبتی به دنیا به این معنی نیست که به دنیا بی‌توجه بود و از آن بهره‌نگرفت و برای آن تلاش نکرد، بلکه به این معناست که دلبستگی به دنیا نباید داشت و باید دانست که دنیا گذراست و برای انسان ماندنی نیست، اما انسان باید در دنیا زندگی کند، برای رسیدن به اهداف صحیح خود تلاش نموده و از لذات حلال آن استفاده نماید و از دنیا برای رسیدن به هدفی که بخاطر آن خلق شده است، استفاده نماید.



The First International Congress of Pure Wisdom

اولین کنفرانس بین المللی حکمت ناب

3-September 2015

زمان: ۱۲ شهریور ماه سال ۹۴

البته در عین حال زاهد هم باشد و بر نفس خود تسلط داشته باشد. در این باره حضرت امیر(علیه السلام) چه زیبا و صریح می فرمایند: «إِغْلَبِ الشَّهْوَةَ تَكْمُلْ لَكَ الْحِكْمَةُ» بر خواهش نفس خود غلبه کن حکمت الهی تو کامل شود (2276). و در جای دیگر می فرمایند: «حَدُّ الْحِكْمَةِ الْإِعْرَاضُ عَنِ الدَّارِ الْفَنَاءِ وَ التَّوَكُّلُ بِدَارِ الْبَقَاءِ» حقیقت حکمت روی گردانی از سرای فانی و شیفتگی به دار باقی است (4883). بنابراین داشتن زهد، چشم دل انسان را به حقایق دنیا و آخرت می گشاید و آنگاه است که انسان بهتر می تواند در برابر وسوسه های شیطان مقاومت کند. و بر سر دو راهی های تردید، تصمیم بگیرد و خود را از سرگردانی نجات دهد.

3- پیروی از حق و حقیقت

«رَأْسُ الْحِكْمَةِ لُزُومُ الْحَقِّ وَ طَاعَةُ الْمُحَقِّ». ریشه (سَر) حکمت ملازمت حق و پیروی از حقیقت است (5203). سَرِ حکمت - علم راست و کردار درست - لازم بودن حق است و طاعت محق. یعنی همیشه با حق بودن و جدا نشدن از آن در هر باب، و فرمانبرداری هر که محق باشد در آن. و ممکن است که مراد به محق، امام برحق باشد بنابراین، مراد به طاعت، اطاعت او خواهد بود در هر بابی (خوانساری، 1384، ج 4، ص 34). پس اگر انسان در اعمال و رفتار خود دقت نماید که توأم با حق و حقیقت باشد و از انسان پیرو حق، پیروی نماید، حکمت می یابد و علاوه بر آن چشم دل او به روی غیب باز شده و خداوند او را یاری می نماید. «مِنْ خَزَائِنِ الْغَيْبِ تَظْهَرُ الْحِكْمَةُ» از خزانه های غیب پروردگار، حکمت و دانش آشکار گردد (9921). و از دیگر سخنان حضرت امیر در غررالحکم است که «حِفْظُ الدِّينِ ثَمَرَةُ الْمَعْرِفَةِ وَ رَأْسُ الْحِكْمَةِ» دینداری نتیجه معرفت (به خدا) و اصل حکمت است (4886).

4- دانش

«بِالْعِلْمِ تُعْرَفُ الْحِكْمَةُ» به دانش حکمت شناخته شود (4182). زیرا برای رسیدن به هر امری باید مقدمات و شرایط آن را فراهم نمود. کسب علم و دانش راهی است برای رسیدن به حقایق امور و حکمت است. نراقی می گوید که صفت علم، افضل اوصاف کمال و اشرف نعوت جمال از برای نفس انسانی است، بلکه بالاترین صفات ربوبیت است و به واسطه آن انسان به شرف جوار رب العالمین می رسد (ص 58). و به فرموده امام علی (علیه السلام) جوینده علم، عزت دنیا و پیروزی آخرت را دارا است (7260). پس کسب علم و نائل شدن به حکمت با عزت و سرافرازی انسان همراه است.



The First International Congress of Pure Wisdom

اولین کنگره بین المللی حکمت ناب

3-September 2015

زمان: ۱۲ شهریور ماه سال ۹۴

5- بردباری

«تَجَرَّعَ مَضَضَ الْجِلْمِ فَإِنَّهُ رَأْسُ الْحِكْمَةِ وَ نَمْرَةُ الْعِلْمِ». دردهای بردباری را جرعه کن که ریشه‌ی حکمت و ثمره دانایی است (4533). نراقی در اهمیت و ارزش صبر گفته است: مرتبه‌ی صبر و بردباری از مراتب رفیعه و درجات منیعه است و صبر منزلی است از منازل دین و مقامی است از مقامات موحدین و به واسطه آن بنده در سلک مقربان بارگاه احدیت داخل و به جوار حضرت احدیت واصل می‌گردد و تا کسی صبر را شعار خود نسازد به مراتب ارجمند فایز نگردد و تا آدمی جرعه‌ی بلا را سر نکشد قطره‌ای از جام محبت نچشد (ص 648). و این صبر و پایداری است که موجب حکمت می‌شود.

موانع کسب حکمت

دستیابی به حکمت، انسان را به پیمودن راه انسانیت و وصول به سعادت رهنمون می‌گردد، بنابراین برای رسیدن به این امر، هم باید به عوامل کسب حکمت توجه شود و هم در شناخت و دوری از موانع آن کوشا بود. چرا که در پرتو آن، راه رسیدن به حکمت آسان‌تر و هموارتر می‌گردد. در ذیل به برخی از این موانع با توجه به فرمایشات امیر کلام، حضرت علی (علیه السلام) اشاره می‌گردد.

1- خشم و شهوت

«غَيْرُ مُتَنَفِعٍ بِالْحِكْمَةِ عَقْلٌ مَغْلُولٌ بِالْغَضَبِ وَالشَّهْوَةِ» خردی که به خشم و شهوت بسته است از حکمت بهره مند نیست (6323). مراد این است که عقل و خردی که بیمار باشد به خشم و خواهش و پیرو آن‌ها باشد و مسلط به آن‌ها نباشد حکمت یعنی علم او به آنچه راست و درست باشد سودی ندارد از برای او، بلکه ضرر و زیان دارد چنان که مکرر ذکر شده است که مؤاخذه عالم بر گناه و عصیان زیاد است از مؤاخذه جاهل نادان (خوانساری، 1384، ج 4، ص 234). و در جای دیگر آمده است «لَا تَسْكُنُ الْحِكْمَةُ قَلْبًا مَعَ حُبِّ الشَّهْوَةِ» با وجود شهوت، حکمت در دل جای نگیرد (8077). خوانساری در شرح این سخن می‌گوید: ساکن نمی‌شود حکمت دلی را با شهوتی، یعنی صاحب حکمت کسی می‌شود که شهوت‌ها و خواهش‌های دنیوی را از خود سلب کرده باشد یا اینکه اگر بعد از تحصیل آن شهوتی در دل او به هم رسد آن علم زایل می‌شود از او و مبدل می‌شود به جهل و اعتقاد فاسد (1384، ج 6، ص 253).

2- دوستی دنیا



The First International Congress of Pure Wisdom

اولین کنگره بین المللی حکمت ناب

3-September 2015

زمان: ۱۲ شهریور ماه سال ۹۴

«لِحُبِّ الدُّنْيَا صَمَتَ الأَسْمَاعِ عَنِ سِمَاعِ الحِكْمَةِ وَ عَمِيَتِ القُلُوبُ عَنِ نُورِ البَصِيرَةِ». به دوستی دنیا گوش‌ها از شنیدن دانش و حکمت کر شوند و دیده‌ها از دیدار نور بینش کور گردند (7274). بنابراین دلبستگی به دنیا و دوست داشتن دنیا، گوش انسان را از شنیدن حکمت کر می‌نماید و چشم‌های انسان را به روی حقایق می‌بندد زیرا توجه انسان را فقط متوجه دنیا و بهره‌مندی از آن می‌کند و فقط به دنبال به دست آوردن آن است و نسبت به حقایق عالم غفلت می‌ورزد هر چند حجت‌ها و استدلال‌های واضح برایش اقامه شود. خداوند متعال می‌فرماید: « دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد کسی که بینا باشد، به سود خود اوست و کسی که از دیدن آن چشم بپوشد، به زیان خودش می‌باشد» (انعام/104).

3-از دست دادن عمق دانش

«مَنْ عَدِمَ غُورَ العِلْمِ صَدَّ عَنِ شَرَائِعِ الحِكْمِ» هر که عمق دانش را از دست دهد از راه‌های حکمت باز داشته شود (9370). همان‌گونه که قبلاً اشاره شد یکی از راه‌های کسب حکمت، دانش است زیرا هر چه علم و دانش انسان بیشتر شود شناخت او نسبت به واقعیت‌ها و حقایق بیشتر می‌شود و اگر انسان از آن دور ماند از حکمت دور می‌ماند.

بخش دوم: استلزامات تربیتی

نظام تعلیم و تربیت شاکله هر فرد و به تبع آن هر جامعه‌ای را پی‌ریزی می‌کند. لذا همیشه مورد توجه تمام مکاتب بشری قرار گرفته است. مکتب غنی اسلام نیز از این امر مهم غافل نبوده است. بنابراین در آموزش علوم و معارف فقط به جنبه نظری و تئوری آن توجه نکرده و بعد عملی و کاربردی آموزش‌ها را نیز در نظر گرفته است. مباحثی که درباره حکمت از منظر امیرالمؤمنین (ع) مطرح شد زمانی مفید و کارساز خواهد بود که به منصفی ظهور برسد و در زندگی روزمره انسان‌ها به کار گرفته شود. و قطعاً آموزش حکمت به متربیان و دوری آن‌ها از موانع رسیدن به این امر مهم، در زمان کودکی و در نظام تعلیم و تربیت جایگاه ویژه‌ای دارد. لذا در ادامه، به وظایف دست اندرکاران امر تعلیم و تربیت پرداخته می‌شود.

در نظام تعلیم و تربیت توجه به زمینه‌ی مساعد و محتوا و روش اهمیت ویژه دارد، لذا با توجه به سخنان گهربار حضرت علی (علیه السلام) این سه مورد پی‌گیری می‌شود.

1-زمینه‌ی مساعد

با توجه به بیانات امام علی (علیه السلام)، فهمیده می‌شود که رسیدن به حکمت اکتسابی است. یعنی در شرایط مناسب و زمینه‌ی مساعد، حکمت در وجود انسان رشد کرده و پرورش می‌یابد. و مسلماً ابتدا خانواده است که باید این زمینه را فراهم



The First International Congress of Pure Wisdom

اولین کنگره بین المللی حکمت ناب

3-September 2015

زمان: ۱۲ شهریور ماه سال ۹۴

کند تا کودکان با صفات برجسته و فضائل اخلاقی آشنا شده و از رذائل اخلاقی روی گردان باشند. پس از خانواده، مدرسه نقش مهمی در این راستا دارد. و برای پرورش حکمت در فراگیران، باید نکاتی را رعایت نماید که در ذیل به مواردی از آنها اشاره می شود

1-1- آموزش پاک بودن و پرهیز از گناهان

حضرت علی (علیه السلام) در نامه 31 نهج البلاغه به امام حسن (علیه السلام) می فرماید: «به نوشتن وصیت برای تو شتاب کردم و ارزش های اخلاقی را برای تو بر شمردم... پیش از آن که خواهش ها و دگرگونی های دنیا به تو هجوم آورند و پذیرش و اطاعت مشکل گردد، زیرا قلب نوجوان چون زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود». بنابراین برای اینکه متریان به پاکی و نجابت روی آورند و پاک بمانند باید از کودکی و بعد از آن، نوجوانی، مربیان فضایل اخلاقی را برای آنها در گفتار و کردار نمایان سازند و از تجربیات دیگران آنها را آگاه نموده و پاک بودن و پلید بودن را با عواقب هر یک، روشن نمایند. البته در این مورد وضعیت جامعه و خانواده ها هم از اهمیت بسزایی برخوردار است و آموزش و پرورش هم باید برای رسیدن به این خصوصیت روی پرورش دانش آموزان وقت بیشتری بگذارد و با توجه به فرمایش امام علی (علیه السلام) با توجه به سن شاگردان، در زمان مناسب پرورش آنها را آغاز نماید.

1-2- اصلاح نفس و پرورش روح دانش آموزان

هواهای نفسانی همیشه مانع تکامل انسان می شوند و به او اجازه نمی دهند به اصلاح خود بیندیشد و عیب خویش را برطرف سازد. ولی خداوند این توانایی را به آدمی داده است که برای مبارزه با نفس، تلاشی پی گیر را آغاز کند و به تدریج، عیب های درونی خود را کنار بگذارد (اسحاقی، 1387، ص 31). از آنجا که زدودن بدی ها از نفس، روح را پاک کرده و پرورش می دهد و سبب بروز حکمت می شود پس فضاهای آموزشی باید دارای یک سری قوانین بوده که دانش آموز با پیروی از آنها، تمرین تسلط بر نفس و دوری از مادیات صرف داشته باشد.

1-3- تقویت بردباری و دوری از خشم و شهوت

بردباری نشانه قوت اراده است و کسی که خود را به بردباری عادت دهد، افزون بر آن که روز به روز بر قوت اراده اش افزوده می شود، از مشکلات زندگی هم آن گونه که دیگران رنج می برند رنج نخواهد برد (اسحاقی، 1387، ص 50). انسان بردبار با داشتن سعه ی صدر بهتر می تواند موفق شود. و با صبری که دارد در سختی ها روحیه خود را از دست نمی دهد و با عقل و منطق تلاش بیشتری می نماید. بنابراین، معلم باید این روحیه را در شاگردان خود تقویت نموده و آنان را به صبر و بردباری راهنمایی نماید. در اثر ایجاد و تثبیت روحیه بردباری، انسان راحت تر می تواند بر خشم و شهوت خود غلبه کند. خشم و



The First International Congress of Pure Wisdom

اولین کنگره بین المللی حکمت ناب

3-September 2015

زمان: ۱۲ شهریور ماه سال ۹۴

شهوته‌ی که از نظر مولا علی (علیه السلام) مانعی است بر سر راه حکمت. اسحاقی معتقد است خشم و غضب بر هم زنده‌ی تعادل روحی انسان است و آتشی است که می‌تواند ویرانی‌ها و خسارت‌های فراوانی به بار آورد (1387، ص 30). و پیروی از اسب سرکش شهوت، نتیجه‌ی جز پشیمانی ندارد (اسحاقی، 1387، ص 78). برای کسب حکمت باید بتوان بر خشم و عصبانیت خود مسلط بود. اگر انسان اسیر خشم و شهوت نباشد نمی‌تواند به حکمت دست یابد زیرا این دو عقل انسان را محدود می‌کند. بنابراین، یکی از وظایف معلم آگاه نمودن شاگردان از عواقب تسلط خشم و شهوت بر انسان است و آموزش دادن راهکارهایی برای استفاده به جا از این دو گزینه که در وجود آدمی نهفته است.

2- محتوای آموزشی

2-1- آموزش حقایق علوم

از آنجا که حکمت، حقیقت علم و دانش را بر انسان آشکار می‌نماید پس بر مربی است که در تعالیم خود دلایل و حقایق امور را بازگونموده و علوم متفاوت و مورد نیاز متربی را به او بیاموزد.

تربیت فرد و تعلیم حکمت و سخن منطقی یا دانش مدلل به او، نه تنها فرد را از تخلف باز می‌دارد، بلکه وی را در مسیر خداشناسی و کسب فضائل اخلاقی قرار می‌دهد (شریعتمداری، بی‌تا، ص 213). علوممانند علم الهی، علم طبیعت، علم اجتماع، خودشناسی و ... علوم سطحی نمی‌تواند نتیجه دهد زیرا همان‌طور که سریع یاد گرفته می‌شوند به سرعت نیز فراموش می‌شوند. اما عمیق آموختن علوم مانند کاشتن نهال در زمین است، باغی که پر از نهال است به مرور زمان با بزرگ شدن این نهال‌ها و تبدیل شدن آن‌ها به درخت ثمر داده و حالت پویا به خود گرفته و مرتباً هر سال ثمر می‌دهد و از حالت ایستا خارج می‌شود. آموختن علوم و پی‌بردن به حقایق از طریق آن نیز به مثابه کاشتن فکر درست در ذهن است و همان‌طور که یک باغ نیاز به رسیدگی دارد، باید به ذهن و فکر نیز با یادگیری علوم جدید و ژرف رسید. متأسفانه آموزش عمیق علوم در آموزش و پرورش فعلی، جدی گرفته نمی‌شود و افراد بیش از اینکه دنبال کسب علم باشند به دنبال مدرک و منصب هستند و این است که انسان‌های حکیم و دارای گفتار و کردار سنجیده و منطقی در این نوع تعلیم و تربیت، رشد نمی‌کنند. از این رو روش مربی باید به نحوی باشد که بر مبنای نمره و ... نبوده و دلایل امور را برای شاگردان خود بازگو نماید.

البته سیاست‌گذاران نظام تعلیم و تربیت و «مدرسه نیز باید در انتخاب مواد و مطالب مربوط به رشته‌های علمی دقت کافی به خرج دهد و ضمن اینکه شاگردان را با حقایق علمی آشنا می‌سازند روح علمی، عادات صحیح، علاقه به مسائل علمی و تمایل به اجرای روش علمی در کلیه مسائل را در شاگردان رسوخ دهد (شریعتمداری، 1384، ص 20).

2-2- تقویت تفکر



The First International Congress of Pure Wisdom

اولین کنگره بین المللی حکمت ناب

3-September 2015

زمان: ۱۲ شهریور ماه سال ۹۴

انتخاب موضوع‌های مناسب برای تفکر یکی دیگر از وظایف نظام تعلیم و تربیت، و مربی است. اسحاقی در این رابطه اظهار می‌دارد اندیشه پاک، انسان را به کار خیر و اندیشه ناپاک، او را به کار زشت فرا می‌خواند. انسان اگر به مسائل عالی بیندیشد، شخصیتی متناسب با همان افکار می‌یابد و اگر درباره مسائل پوچ و بی‌ارزش فکر کند، از مقام انسانی خود کاسته است (1387). در اسلام ارزش تفکر و تدبیر در جهان آفرینش از عبادت بدون تأمل بیشتر است. زیرا به دنبال تفکر، باورهای یک انسان شکل گرفته و رفتارهای او پدید می‌آید. بنابراین تفکر در عالم خلقت، تاریخ گذشتگان، وجود خود انسان و ... می‌تواند درس‌های بزرگی به انسان بیاموزد. مطهری در همین زمینه می‌نویسد: یکی از عوامل اصلاح و تربیت نفس در تعلیمات اسلامی، عادت کردن به تفکر است. تفکر باید برای انسان عادت بشود. یعنی درباره هر کاری که انسان می‌خواهد تصمیم بگیرد، عادت داشته باشد که کاملاً روی آن فکر کند (مطهری، بی‌تا، ص 258). بنابراین باید «قدرت تفکر شاگردان را در پرتو روحیه پرسش و پاسخ در آنان تقویت کرد و زیرا سؤال کردن کم، تفکر را خاموش می‌سازد (علوی، 1384، ص 164).

2-3- شناساندن عبرت‌ها و فریب‌ها

یک مربی قبل از هر چیز باید مواردی را که می‌خواهد به دانش‌آموزان بیاموزد، بداند. او باید نسبت به تاریخ گذشته عالم باشد و زمان خود را به خوبی بشناسد و دانسته‌های مفید را به دانش‌آموزان آموزش دهد. اگر انسان از گذشتگان پند و عبرت گیرد در برطرف کردن عیوب خود تواناتر خواهد شد و راه‌های موفقیت را بهتر خواهد شناخت. همچنین با توجه به جامعه‌ی خود و پندپذیری از وقایع زمان، می‌توان از فتنه‌ها و فریب‌های آن آگاهی یافت و از آن دوری نمود. و بدین طریق مقدمات و شرایط رسیدن به کردار و گفتار سنجیده، یعنی: حکمت فراهم می‌شود. پس مربی باید به دانش‌آموزان خود آگاهی لازم را در این زمینه بدهد. «توجه به گذشته ایجاب می‌کند که برنامه‌های تعلیماتی، محصولات ادبی گذشته را مورد توجه قرار داده و افراد را به میراث معنوی آشنا سازد. توجه به تاریخ گذشته وقتی نتیجه دارد که ارتباط آن با زمان حال روشن باشد (شریعتمداری، 1385، ص 59).

3- روش آموزش

علاوه بر اینکه در نظام تعلیم و تربیت، محتوا و برنامه درسی باید متکی بر موضوع‌هایی باشد که باعث تقویت فکر و قدرت تعقل و در نتیجه ایجاد خلاقیت در دانش‌آموزان شوند، روش و شیوه آموزشی نیز باید برخوردار از این ویژگی باشد.

دانشمندان و عالمان تعلیم و تربیت بسیاری، از گذشته تاکنون به این مهم توجه کرده‌اند. سقراط به عنوان یکی از مشهورترین فیلسوفان یونانی، آموزش و پرورش را بر اساس سخنرانی و القاء عقاید به شاگردان مورد نقد قرار می‌داد و خود از روشی موسوم به روش فعال یا همان دیالکتیک استفاده می‌نمود. او به دنبال این بود که افراد را به چالش بکشاند و از این راه افراد را به تفکر وا می‌داشت. در دیدگاه اسلام نیز به این مهم توجه شده است. رسول خدا (صلی الله علیه و



The First International Congress of Pure Wisdom

اولین کنگره بین المللی حکمت ناب

3-September 2015

زمان: ۱۲ شهریور ماه سال ۹۴

آله می فرمایند: همه خیرات و نیکی‌ها در پرتو عقل بدست می‌آید، هر قدر عقل بارورتر باشد خیرات و برکات بیشتری عاید انسان می‌شود» (رشیدپور، 1371، ص 15). و یا اینکه امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند: هیچ مالی ارزشمندتر از عقل نیست (رشیدپور، 1371، ص 24).

در زمینه بکارگیری روش عقلانی در آموزش و پرورش، پرفسور دیوید پرکینز معتقد است که «خیلی پیش از آنکه تفکر به دنبال دانش بیاید، دانش نتیجه تفکر بوده است. بنابراین بجای مدارس دانش‌محور به مدارس تفکر‌محور نیاز داریم. این بینشی آرمانی و تجملی به آموزش عالمانه و نخبه سالارانه نیست، بلکه واقعیت‌های دشوار درباره روشی است که یادگیری از طریق آن اتفاق می‌افتد» (جفریز، 1389، ص 10).

البته برای تشویق دانش‌آموزان به تفکر باید تفکر را «مهیج، چالش برانگیز، دارای پاداش درونی و رضایت بخش کرد» (جفریز، 1389، ص 36). بنابراین، بر اساس کلام امام و روح حاکم بر سخنان ایشان که در بحث‌های پیش ذکر شد، می‌توان به این نکته رسید که روش مورد قبول امام علی (علیه‌السلام)، تعقلی است، نه القاء محتوای آموزشی به فراگیران.

نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، حکمت در غررال حکم و دررال کلم مورد بررسی قرار داده شد. جایگاه و منزلت حکمت، عوامل کسب حکمت و موانع رسیدن به آن از دیدگاه امام علی (علیه السلام) بررسی گردید. با توجه به آموزه‌های آن حضرت، هر انسانی این استعداد را دارد که با تلاش خود به حکمت دست یابد و بر مبنای عقل و منطق و دانایی، رفتار و گفتاری درست و راست داشته باشد و از زندگی سالم‌تر و با آرامش بیشتر برخوردار شود. از آنجا که رسیدن به حکمت، به طور همه جانبه شخصیت انسان را ارتقاء می‌دهد پس بهتر است که این امر مهم در نظام‌های تعلیم و تربیت نادیده گرفته نشود و مسئولان تعلیم و تربیت، باید علاوه بر آموزش، به پرورش دانش‌آموزان نیز اهمیت بدهند. در امر آموزش باید به زمینه مساعد، محتوای آموزشی و روش صحیح برای رسیدن به این مقصود اهمیت داده شود. آموزشی که می‌خواهد به حکمت ختم شود باید بر مبنای تفکر و اندیشه صحیح خود دانش‌آموزان بوده و به صورت عمیق و ژرف آموخته شود و دروسی تدریس شود که عبرت‌های گذشته را مدنظر داشته و جامعه‌ی حاضر را نیز بشناساند. علاوه بر این باید به پرورش روح و شخصیت دانش‌آموز بیش از پیش اهمیت داده شود تا در سایه آن، احساس کرامت و بزرگی نموده و خود را متخلق به فضایل اخلاقی از قبیل بردباری، زهد، حقیقت‌جویی، تسلط بر نفس و... کند و در مقابل هر چه بیشتر از رذایل اخلاقی مثل خشم و شهوت و دوستی دنیا دور شود. این‌گونه است که زنگار از وجودش، پاک شده و موفقیت و پیشرفت بیشتری حاصل شود. البته لازم به ذکر است توجه به سن دانش‌آموزان نیز بسیار مهم است. تا دانش‌آموز در سن کودکی و نوجوانی است باید پایه‌ی شخصیتش ریخته شود و هنگام شکل‌گیری هویت او، باورهای ایشان نیز شکل بگیرد و این مستلزم تغییرات اساسی در نظام آموزش و پرورش است.



The First International Congress of Pure Wisdom

اولین کنفرانس بین المللی حکمت ناب

3-September 2015

زمان: ۱۲ شهریور ماه سال ۹۴

مراجع

قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی

اسحاقی، سید حسین (1387). چگونه زیستن: درس هایی از چشمه سار حکمت امام علی (ع) به روایت شیعه و سنی. تهران: نشر مشعر

اسلامی، سیدحسین (1386). دامنه معنایی حکمت در قرآن، اخلاق و حدیث. مجله علمی پژوهشی علوم حدیث، شماره چهل و سوم، (صص 29-57)

آمدی، عبدالواحد (1389). غررالکلم و دررالکلم، ترجمه محمدعلی انصاری. قم: امام عصر

باقری، خسرو (1387). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج 1. تهران: مدرسه

برنجکار، رضا (1379). مفهوم حکمت در قرآن و حدیث. مجله صحیفه مبین، شماره چهارم، (صص 85-100)

جفریز، مایک و ترور هانکوک (1389). مهارتهای تفکر، ترجمه: محمود تلخابی و یلدا دلگشایی. تهران: جهاد دانشگاهی

خسروپناه، عبدالحسین (1388). چیستی حکمت در قرآن و روایات و فلسفه. مجله علمی ترویجی مشکوه، شماره صد و سوم، (صص 36-12)

خوانساری، جمال الدین محمد (1384). شرح بر غررالکلم و دررالکلم، ج 1 تا 6. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

رشیدپور، مجید (1371). رشد عقلی. قم: انجمن اولیاء و مربیان

شریعتمداری، علی (بی تا). تعلیم و تربیت اسلامی. (بی جا)

_____ (1384). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: امیرکبیر، چاپ بیست و ششم

_____ (1385). اصول تعلیم و تربیت. تهران: دانشگاه تهران، چاپ هجدهم

شریعتی، فهیمه و سهیلا پیروزفر (1391). تحول معنایی واژه‌ی حکمت در حوزه‌های مختلف اسلامی. مجله سراج منیر (دانشگاه علامه طباطبایی)، سال دوم، شماره هفتم، (صص 93-118).

علوی، سید حمید رضا (1384). روش تدریس سخنرانی و پرسش و پاسخ. کرمان: دانشگاه شهید باهنر

_____ (1389). فرهنگ تفصیلی مفاهیم فلسفی و فلسفی-تربیتی «فارسی-انگلیسی». کرمان: دانشگاه شهید باهنر

فاضلی، قادر (1388). حکمت عملی. تهران: اطلاعات.

قرشی، سید علی اکبر (1361). قاموس قرآن، ج 1 و 5. تهران: دارالکتب الاسلامیه



**The First International Congress
of Pure Wisdom**

اولین کنفرانس بین المللی حکمت ناب

3-September 2015

زمان: ۱۲ شهریور ماه سال ۹۴

کیلانی، ماجدعمرسان (1389). فلسفه تربیت اسلامی، ترجمه بهروز رفیعی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و تهران: سمت

مایر، فردریک (1374). تاریخ اندیشه های تربیتی، ج 1، ترجمه علی اصغر فیاض. تهران: سمت.

مطهری، مرتضی (بی تا). تعلیم و تربیت در اسلام. بی جا

نراقی، ملا احمد (بی تا). معراج السعاده. تهران: انتشارات رشیدی

وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی (1386). ادب و حکمت، تهران: نشر حمزه